

## آیا روان انسان از قدرت تاثیر می‌پذیرد؟

آیا یک شخص عادی و معقول ممکن است به یک مستبد سرکوبگر بدل شود؟



آیا یک شخص عادی و معقول ممکن است به یک مستبد سرکوبگر بدل شود؟

بر اساس پژوهش‌های روانشناسان شاید یک شبه این گونه نشود، اما قدرت بر روان انسان تاثیر می‌گذارد.

مشهورترین مثال در این مورد "تجربه زندان استانفورد" در سال 1971 است که در آن پژوهشگران در دانشگاه استانفورد در یک زندان ساختگی دانشجویان را به طور اتفاقی به دو گروه "زندانی" و "زندانبان" تقسیم کردند. زندانبانان آنقدر آزارگر و زندانبانان آنقدر منفعل شدند که در کمتر از یک هفته پژوهشگران مجبور شدند تجربه را متوقف کنند.

به جز این موارد افراطی، گونه‌های معمولی‌تر قدرت نیز می‌تواند بر رفتار انسان اثر بگذارد.

یک بررسی در سال 2010 که در *Journal of Personality and Social Psychology* منتشر شد، نشان داد که افرادی که طوری توجیه شده‌اند که خودشان را افرادی با وضع خوب و خوش‌اقبال فرض کنند نسبت به افرادی که به آنها القا شده است وضع‌شان بد است، در تشخیص عواطف دیگران بدتر عمل می‌کنند.

سرپرست این پژوهش داکتر کلتنر از دانشگاه کالیفرنیا-برکلی می‌گوید دلیل این نتایج شاید این باشد که افرادی که قدرت چندانی ندارند نیاز به متحد شدن با یکدیگر برای موفق شدن دارند. اما در مقابل افرادی که بر سر قدرت هستند، می‌توانند هر کاری را که دوست دارند، انجام دهند.

هنگامی که قدرت به دست می‌آورد، به گفته کلتنر "دیگر واقعا توجه دقیق به محیط اجتماعی را متوقف می‌کنید. دیگر عواطف افراد دیگر را به خوبی تشخیص نمی‌دهید. دیگر درک درستی از شرایط مهم اجتماعی مانند فقر ندارید."

و به گفته کلتنر، قدرت در راس همه چیزها "تنها شما را بیشتر تابع امیال‌تان و خودمدارتر می‌کند و نحوه رفتار شما را نامناسب‌تر." قدرت همچنین ممکن است به انزوای شما از دیگران بینجامد.

یک بررسی در سال 2006 که در *Journal of Personality and Social Psychology* منتشر شد، از روشی غیرمعمول برای نشان دادن این پدیده استفاده کرد: پژوهشگران از مشارکت‌کنندگان در آزمایش خواستند که یک حرف "E" روی پیشانی‌شان بکشند. اما پیش از این کار به این افراد طوری القا شده بود که خودشان را قدرتمندتر یا کم‌قدرت‌تر تصور کنند. گروهی که فکر می‌کردند قدرتمندتر هستند با احتمال سه برابر بیشتر نسبت به گروهی که فکر می‌کردند کم‌قدرت‌تر هستند، حرف "E" را روی پیشانی‌شان می‌کشیدند. به گفته این پژوهشگران نتیجه تلویحی این یافته این است که افراد قدرتمند خودمدارتر می‌شوند و به دیدگاه دیگران نسبت به خودشان کمتر اهمیت می‌دهند.

یک بررسی سوم که در سال 2009 باز در *Journal of Personality and Social Psychology* منتشر شد، نشان داد افرادی که طوری تعلیم داده شده بودند که خودشان را افراد قدرتمندی تصور کنند، با احتمال بیشتری اعتقاد پیدا می‌کنند که بر یک موقعیت کنترل دارند- حتی اگر در فعالیتی کاملا تصادفی مانند تاس ریختن شرکت داشته باشند.

این پژوهشگران می‌نویسند: "توهم تسلط شخصی بر همه چیز ممکن است یکی از شیوه‌هایی باشد که اغلب قدرت را به زوال می‌کشانند."

اگر همه این یافته‌ها را کنار هم بگذارید، می‌تواند دستورالعمل کاملی برای خودکامگی بنویسید: اشتباهی قدرت داشته باشید، توجه و گوش کردن به دیگران را متوقف کنید، و نهایتا شروع کنید به باوراندن به خودتان که همه چیز حتی رویدادهای اتفاقی را تحت تسلط دارید.

اما ریچارد پتی، روانشناس از دانشگاه ایالتی اوهایو یادآور می‌شود که قدرت ماهیتی همیشه خوب یا همیشه بد ندارد.

پژوهش‌های او بیانگر آن است که قدرت باعث می‌شود که افراد به باورهایی که از قبل داشته‌اند، اعتماد بیشتری پیدا کنند.

پتی و همکارانش در یک بررسی در سال 2007 که در *Journal of Personality and Social Psychology* منتشر شد، از مشارکت‌کنندگان خواستند تا افکار مثبت و منفی‌شان را بنویسند و بعد به آنها طوری القا کردند تا احساس قدرتمندی بیشتری کنند. افرادی که از قبل افکار مثبت بیشتری را یادداشت کرده بودند، پس از این مداخله، مثبت‌تر شدند، و افرادی که افکار تیره‌ای در ذهن داشتند، منفی‌تر شدند.

پتی می‌گوید: "قدرت هر چه در ذهن شما می‌گذرد را تقویت می‌کند. به نظر ما به همین علت است افراد قدرتمند ممکن است کارهای خوب بیشتری انجام دهند یا کارهای بد بیشتری."